

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۲/۰۴/۲۳

استاد قزوینی:

سلام علیکم ورحمه الله بنده خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این کره ی خاکی بیننده ی برنامه ی ما هستند و ما را مهمان کانون گرم و با صفای خانواده ی خویش قرار داده اند صمیمانه ترین سلام را تقدیم می کنم.

موفقیت همگان را از خدای عالم می خواهم رفع گرفتاری، قضای حوائج، رسید به اهداف و اجابت دعا برای همه ی عزیزان و بزرگواران از خدا مسئلت می کنم. به ویژه در این ماه مبارک رمضان که لحظات طلایی است که ان شاء الله به همه ی ما خداوند عالم توفیق بدهد قدر این لحظات گرانقدر را بدانیم و بهترین استفاده را ببریم.

شب ها و روزهایی که خوابیدن هم پاداش عبادت دارند، نفس کشیدن هم پاداش تسبیح دارد. یک آیه قرآن خواندن معادل یک ختم قرآن در ماه های دیگر است

الفرصة تمر مرّ السحاب

همانند ابر این فرصت ها تمام می شود.

نهج البلاغة، خطب الإمام علي (ع)، ص ۲۴۸

و باید از این فرصت ها و عمرمان بهترین استفاده ها و بهره ها را ببریم ان شاء الله عزیزان ما را هم دعا کنند، شبکه ی جهانی ولایت را دعا کنند که من جمله ی دعاهایشان این باشد که به این شبکه ی ولایت که شبکه ی همه ی مسلمانان است توفیق دهد و برای اولین بار بشارت فرج آقا ولی عصر را به جهانیان اعلام کند.

من يك نکته اي را قبل از اين كه جناب آقاي محسني سوال شان را مطرح بفرمايند اشاره كنم:

در رابطه با قضايای شهادت شهيد شيخ حسن شحاته حرف هاي زياد زدند، اين شبكه هاي نفاق ديگر بي حيايي را از حد گذراندند و هتاكي ها را به يك جاهايي رساندند كه واقعا عقل و وجدان بشري هم از توجه آن عاجز است و اين جنايتي كه واقعا در تاريخ بشريت سابقه نداشته است، حتي در ميان وحشي ها هم سابقه نداشت با توجيهاتي كه ايشان اهانت و جسارت کرده است.

حالا ان شاء الله فرصت بشود يك مقداري در رابطه با اقوال علماي اهل سنت در رابطه با سب صحابه عرض خواهيم كرد و مفصل از بينندگان عزيزي كه مي توانند با اين شبكه هاي نفاق تماس بگيرند سوالي طرح مي كنيم كه از آن ها بپرسند.

با ما كه صحبت نمي كنند و از عكس ما هم مي ترسند، بعضي اوقات خطي براي براي علما و روحانيون ها، حجت الاسلام ها و آيت الله ها مي گذارند، به جاي اين تلفن گذاري ها شبكه جهاني ولايت هر شب دو ساعت برنامه ي زنده دارد و الان سه سال است شما را دارد تحدي مي كند و المبارز مي طلبد.

خب تماس بگيريد با شبكه ي ولايت، چرا مي ترسيد؟ مگر نبي مكرم مي گفت هر كس دنبال هدايت است بيايد با شماره تلفن من تماس بگيرد؟

شما كه مي فرماييد شيعه مشرك و منحرف است، خب تريبون شيعه بيش از چهل و پنج، پنجاه ميليون بيننده دارد، تماس بگيريد مطالبتان را بگويد، بگذاريد مخاطبين شبكه ي ولايت حرف شما را بشنوند و شايد به هدايت برسند و به قول شما از شرك دست بردارند و به توحيد برسند.

چرا وحشت داريد؟ يك دفعه هم شما تماس بگيريد، يك دفعه هم در برنامه هاي زنده تان تلفن را برداريد شماره شبكه ي ولايت را بگيريد تا بيننده هاي تان هم ببينند كه اين قدر جرأت داريد.

این ها برنامه ها و عبارتی را از بنده نقل کرده اند که دوستان مرتب سوال می کنند که این ها عبارتی را که از شما نقل کرده اند که اگر کسی به خلفا اهانت کند حکمش قتل است، یا مرتد و کافر است.

این آقایان مثل امام شان ابن تیمیه که امام او هم به تعبیر آقای دمشقی شیطان است همواره وقتی می خواهند کلیپی را پخش کنند از اول و وسط و آخرش یک چیزهایی را می برند و پخش می کنند.

بنده گفتم که اگر کسی به یکی از صحابه فرقی نمی کند، چه ابوبکر و عمر و عثمان چه آن اعرابی بیابان گرد باشد اهانت کند به قصد جسارت به نبی مکرم اهانت کند مرتد و کافر است که هیچ شکی نیست.

گمان نمی کنم هیچ عالم شیعی در این قضیه شبهه ای داشته باشد، ولی یک کسی غرض شخصی دارد مثل روایتی که در کتب متعدد اهل سنت است که زنان پیغمبر به همدیگر دارند فحاشی می کنند، زینبنت جحش به عایشه فحش می دهد و عایشه به او فحش می دهد.

یا افرادی می آیند جلوی چشم پیغمبر به ابوبکر فحش می دهند و نبی مکرم خنده می کند

أَنَّ رَجُلًا شَتَمَ أَبَا بَكْرٍ وَالنَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْجَبُ وَيَتَبَسَّمُ

مسند أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۳۶

این مطلب در کتاب های متعدد اهل سنت است.

این یعنی جدای از وابستگی صحابه از ائمه پیغمبر اگر کسی جسارت کند مثل جسارت کردن به افراد عادی

اگر فردی به یک مؤمنی جسارت کند حکمش چیست؟

در این جا هم همان حکم را دارد. این عبارتی را که بنده عرض کردم همان حرفی است که بزرگان اهل سنت

مثل ابن حزم اندلسی که مورد تأیید امام وهابی ها و پیغمبر وهابی ها است می گوید.

آقاي ابن حزم مي گويد:

من سب أحدا من الصحابة رضي الله عنهم فإن كان جاهلا فمعدور وإن قامت عليه الحجة فتمادي غير معاند

فهو فاسق كمن زني وسرق وأن عاند الله تعالى في ذلك ورسوله صلي الله عليه وسلم فهو كافر

الفصل في الملل، ج ۳، ص ۱۴۳

اگر کسی از صحابه را فحش بدهد اگر از جایگاه صحابه و ارتباط صحابه با پیغمبر و خدا آگاه نیست معذور

است و هیچ گناهی ندارد ولی اگر حجت برایش تمام شده است که این صحابه ای که به او فحش می دهید صحابه

ی پیغمبر است ولی اگر باز هم ادامه دهد او فاسق است.

مثل کسی که زنا و دزدی می کند.

این عبارتی است که بنده هم همین نظر را عرض کردم و الآن هم روی نظرم هستم.

و اگر این فحشی که به صحابه می دهد به عنوان عناد با خدا و عناد با پیغمبر باشد او کافر است.

حالا صحابه که جای خود دارد اگر کسی بیاید به الاغی که پیغمبر سوار می شد به اسب و شتری که پیغمبر

سوار می شد اهانت کند به خاطر عناد با پیغمبر، مسلم است که حکم ویژه ای دارد در اسلام، چه شیعه و چه سنی و

لذا این را من خواستم یک توضیح کوتاهی برای آقایان داشته باشم.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

حضرت استاد بحث ما که در انحراف آقای ذهبی نسبت به حضرت امیر علیه السلام بود که تمام تلاش خود

را کرده و به کار برده بود تا حضرت امیر را تضعیف کند.

لطفا بفرمایید که برخورد آقای ذهبی با حدیث طبر که یکی از مهمترین فضائل امیرالمؤمنین است چگونه

بوده است؟

استاد قزوینی:

ما در گذشته همان طوری که برادر عزیزمان جناب آقای محسنی اشاره فرمودند کاملاً در رابطه با حدیث:

انا مدینه العلم و علی بابها

که تعدادی از علمای اهل سنت که چهارده تن بودند بر صحت این حدیث شهادت دادند و هشت تن از بزرگان

اهل سنت مدینه العلم را به عنوان لقب امیر المؤمنین در کتاب هایشان نقل کرده اند.

ولی آقای ذهبی می آید با توجه با آن عنادی که با امیر المؤمنین سلام الله علیه و انحرافی که از

امیر المؤمنین دارد به بهانه های واهی این روایت را تضعیف می کند و حتماً تضعیف شان هم به خاطر ابوصلتهروی بوده

است که این را مفصل مطرح کردیم.

در جلسه ی گذشته انحراف ذهبی از امیر المؤمنین را هم عرض کردیم که وقتی شریک بن عبداللهمی

آید حدیثی در فضیلت امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل می کند، می گوید:

ولا یحتمله شریک

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۳، ص ۳۷۵

این روایت جعلی است اصلاً فکر آقای شریک بن عبد الله این را قبول نمی کند. ولی اگر چیزی در

فضیلت ابو بکر و عمر و عثمان است آن جا بدون هیچ اظهار نظری به عنوان یک امر قطعی و مسلم

ومفروق الامر مطرح می کند و رد می شود.

از جمله از چیزهایی که آقای ذهبی روی آن خیلی عناد دارد همین حدیث طبر است.

داستان حدیث طیر هم این است که برای نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم يك مرغ بریان آوردند، حضرت

دعا کرد:

اللهم ائتني بأحب خلقك إليك يأكل معي من هذا الطير

المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۱

خدایا بهترین خلقت و محبوب ترین خلقت را برسان که با من این مرغ بریان و سرخ شده را بخورد.

و علی بن ابی طالب آمد و این روایت اثبات می کند بر این که امیر المؤمنین محبوب ترین خلق در نزد خدای

عالم است.

آقای حاکم نیشابوری این روایت را نقل می کند و می گوید شرایط صحت صحیح بخاری و مسلم را دارد.

حتی بعضی از بزرگان اهل سنت تعبیرشان این است مثل احمد بن صدیق جناب آقای غماری که از او به

امام غماری تعبیر می کنند کتابی دارد به نام جونه العطار آن جا می گوید:

فإذا لم یکن حدیث الطیر صحیحا فلا یصح فی الدنیا حدیث البتة

جونه العطار آقای امام غماری، ص ۲۵

اگر بنا باشد حدیث طیر صحیح نباشد دیگر هیچ حدیث صحیحی در دنیا ما نداریم.

می گوید از انس نزدیک ۹۷ نفر راوی این را نقل کرده اند و تعداد افراد زیادی که این قضایا را نقل کرده اند،

حتی ابن کثیر دمشقی و دیگران از بزرگان اهل سنت که کتاب مستقلی در رابطه با حدیث طیر تألیف کرده اند.

حتی می گوید ابن جریر طبری يك کتاب مستقلی در ارتباط با اثبات سند و شرح مضمون حدیث طیر نقل

کرده است.

ابن کثیر دمشقی در کتاب البدایه و النهایه جلد ۱۱ صفحه ۱۶۷ آورده است.

جناب آقاي ذهبي وقتي به اين حديث مي رسد مي گويد اين حديث ضعيف است، عبارتي را که جناب احمد بن مغربي که از علمای اهل سنت و متوفی ۱۳۸۰ که می گوید:

آقاي ذهبي در بيست جا از ميزان الاعتدال خود گفته است که حديث طير ضعيف است و راويان اين حديث را هم تضعيف کرده و هيچ دليلي بر ضعف راوي نبود جز اين که حديث طير را نقل کرده است.

وضعف به خلائق ليس له علي ضعفهم دليل سوي روايته

فتح الملك العلي، أحمد بن محمد الحسني المغربي، ص ۱۶۱

خيلي عجيب است. آقاي ذهبي می گوید این راوي ضعيف است چرا؟
چون حديث طير را نقل کرده است.

حديثي طيري که عرض کردم بزرگان اهل سنت کتاب هاي مستقلي در اين باره نوشتند که اگر دوستان مراجعه کنند به همان اوایل کتاب فتح الملك العلي ایشان تألیفاتي که بزرگان اهل سنت در رابطه با حديث طير نوشته اند را شمرده است.

ذهبي در تذکره الحفاظ در اواخر عمرش می آید می گوید:

واما حديث الطير فله طرق كثيرة جدا قد افردتها في مصنف ومجموعها هو يوجب ان يكون الحديث له أصل

تذكرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۴۲ و ۱۰۴۳

حديث طير سند هاي متعددي دارد

من خودم يك كتابي در اين زمينه تأليف کردم و مجموع اين طرق اين است که:

این روايت اصل دارد و جعلي نيست.

بينندگان عزيز دقت كنيد، اسم اين را چه مي گذاريد من نمي دانم. حالا اگر دوستان اهل سنت يا بعضي هايي كه مدافع اين قضايا هستند، علاقه مند به امير المؤمنين هستند بيايند بخواهند يك اسمي براي اين بگذارند ما حرفي نداريم.

اگر سوال خاصي است ما در خدمت شما هستيم.

مجري:

خيلي ممنون. حاج يك عبارتي را بارها شما در اين شبكه فرموديد درباره ي آقاي ذهبي امشب هم جايش است كه خلاصه اين را مطرح كنيد. در يكي از احاديث است كه آقاي ذهبي وقتي مي بيند هيچ اشكاليني تواند بگيرد مي گويد:

يشهد القلب انه باطل

لطف كنيد در اين زمينه هم اين را براي ما كه بارها هم در اين جا مطرحش كرديد باز هم بفرماييد.

استاد قزويني:

ذهبي در ترجمه ي أحمد بن الأزهر النيشابوري كه حافظ هم است و ابن عدي و ابوحاتم و ديگران او را توثيق کرده اند و گفته اند صدوق است، مي گويد:

ولم يتكلموا فيه الا لروايته عن عبد الرزاق عن معمر حديثا في فضائل علي يشهد القلبانه باطل

ميزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ۱، ص ۲۱۳

بزرگان ما در مذمت أحمد بن الازهر هيچ اشكالي نگرفته اند جز اين كه ايشان يك روايتي دارد از عبدالرزاق از معمر از فضائل علي.

روایت را هم نمی آورد که چي است و مي گوید:

مي گوید علمای ما تنها ضعف آقای نیشابوری را به این دلیل آوردند و قلب من ذهبي هم شهادتي دهد که

این روایت باطل است.

در مورد روایت

وعدوك عدوي وعدوي عدو الله

سير أعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۶۶

يا علي دشمن تو دشمن من است و دشمن من هم دشمن خداست.

خب آقای ذهبي باید قلبش شهادت بدهد که این باطل است چون اگر شهادت ندهد تمام کسانی که به عنوان

دشمن علي مطرح بودند و با علي جنگیدند و عداوت با علي را شعار قرار دادند مثل طلحه، زبیر و دیگران و معاویه و

امثال او باید بیاید بگوید این ها همه عدو پیغمبر و عدو الله هستند.

نمی تواند بگوید که آن ها دشمنان الهي هستند و مجبور است بیاید بگوید این روایت روایتی است که قلب

من ذهبي شهادت مي دهد که این باطل است.

من با چندتن از دانشجویها کنار بیت الله الحرام پشت حجر اسماعیل بحث مي کردیم، از جمله این قضیه

پیش آمد که شما در کتاب های رجالی تان بنویسید وقتی يك روایتی را بررسی سندی مي کنید و تمام شرایط صحت

را دارد و روایانش همه ثقه هستند و سندش هم متصل به نبي مکرم است يك شرط دیگری هم داشته باشد آن هم

اینکه قلب ذهبي شهادت بر بطلانش نداده باشد.

آقای ذهبي این همه احادیثي که در فضیلت خلیفه ي اول و دوم است و شبهه اي در جعلی بودن آن نیست

آیا آنجا هم مي آید مي گوید:

القلب يشهد انه باطل.

يا در میزان الاعتدال روایتی را نقل می کند که پیغمبر:

نظر إلي علي فقال أنت سيد في الدنيا سيد في الآخرة من أحبك فقد أحبني ومنأبغضك فقد أبغضني

میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ٤، ص ٣٤٥

يا علي تو در دنیا و آخرت آقایی

هر کس تو را دوست داشته باشد من را دوست دارد.

و هر کس تو را دشمن بداند من را دشمن داشته است

بعد می گوید:

مع كونه ليس بصحيح فمعناه صحيح سوي آخره ففي النفس منها شيء

میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ٤، ص ٣٤٥

دلیلی هم نیاورده می گوید این که صحیح نیست معنایش صحیح است.

قلب من نسبت به آخر روایت چرک دارد.

قلب من ذهبی، دل من ذهبی رضایت نمی دهد.

اگر کسی بیاید این چنین روایتی را در رابطه با خلفا مطرح کند باز هم آن جا آقایی ذهبی می گوید:

ففي النفس منها شيء

میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ٤، ص ٣٤٥

یا اینکه آن ها را با آب و تاب نقل می کند؟ این دو نوع از برخورد هایی است که آقایی ذهبی در فضائل

امیر المؤمنین و در فضائل دیگر خلفا حتی معاویه دارد.

همين آقاي ذهبي را نگاه كنيد كه حتي نفرين نبي مكرم بر معاويه را كه خدايا شكم او را سير نكنمي گويد كه اين نفرين نيست بلكه مدح معاويه است.

اين را ديگر هر بچه و پيرزن و پير مرد حتي اگر به هدهد حضرت سليمان هم بگويم اين را مي فهمدو اين قدر شعور دارد كه اين نفرين است، اگر به سگ اصحاب كهف هم بدهند مي فهمد ولي ذهبي مي آيدمي گويد در حقيقت مدح معاويه است.

چرا مدح معاويه است ببينيد چقدر توجيه غير عاقلانه اي مي آورد، مي گويد:

لا أشبع الله بطنه

سير أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۲۳

خدا شكم معاويه را سير نكند.

خود معاويه مي گويد من گرفتار نفرين پيغمبر شدم هر چه مي خورم شكمم مي تركد ولي سيرنمي شوم ذهبي مي آيد مي گويد:

نه آقا پيغمبر گفت كه سير نشود، چون هر كس كه در دنيا سير شود در آخرت گرسنه مي شود و پيغمبر اكرم خواست كه آقاي معاويه در قيامت گرسنه نشود و لذا آمد همچين دعائي كرد.

درباره ي امير المؤمنين مي گويد:

يشهد القلب انه باطل. ففي النفس منها شيء.

و در رابطه با معاويه مي گويد:

لا أشبع الله بطنه

سير أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۲۳

پيغمبر اكرم لعنت مي كند معاويه و ابو سفيان و برادرش را

لعن الله الراكب والقائد والسائق

الإمتاع والمؤانسة، ج ١، ص ٤٩٥ و ربيع الأبرار، ج ١، ص ٤٩٥ و شرح نهج البلاغة، ج ١٥، ص ١٠١

هیچ راه گریزی هم ندارد و با سند های صحیح هم نقل کرده اند آمده اند يك چیزی درست کرده اند که

پیغمبر فرمود:

من هم مثل شما بشري هستم.

یعنی چقدر باید پیغمبر را پایین بیاورند که من هم مثل شما آدم عادی هستم.

نمی دانم این ها با چه دل و جرأتی حاضرند برای توجیه کار زشت معاویه که مایه ننگ جهان اسلام است

مقام پیغمبر را پایین بیاورند که من هم مثل شما بشري هستم.

حالا اگر بعضی وقت ها بعضی ها را فحش دادم، لعنت کردم، از خدا خواستم من به هر کس که فحش دادم

و لعنت کردم خدا لعنت و فحش من را برای او رحمت قرار دهد، خب بنابراین پیغمبر که معاویه را لعن کرده این

دلیل بر این است که رفعت و فضیلت معاویه است.

چون پیغمبر گفته که خدایا لعنت من را مایه رحمت و علو درجه قرار بده.

اللهم إنما أنا بشرٌ فأَيُّ الْمُسْلِمِينَ لَعْنَتُهُ أَوْ سَبَبَتُهُ فَأَجْعَلْهُ لَهْ زَكَاةً وَأَجْرًا

صحیح مسلم، ج ٤، ص ٢٠٧

يك روزي مهمان آقای پرفسور غامدي بودیم، یکی از این دانشجویها که ظاهراً آقا زاده ي ایشان بود و تعدادي

از دانشجویها سر سفره ي افطاري بودند و همین روایت را مطرح کردند که این لعن معاویه دلیلبر فضیلت معاویه

است و معلوم است که پیامبر معاویه را دوست داشته که او را لعنت کرده است.

گفتم آقا من يك سوال از شما مي پرسم گفتند بفرماييد، گفتم پيغمبر فرمود خدا لعنت کند شاربالخمر را كسي كه شراب مي سازد، مي فروشد، و مي خورد آیا اين هم باز دليل است كه شراب خوردن كرامت دارد و فضيلت دارد؟

همين طوري ماند، گفتم در كتاب اطراف الحديث ۳۶۰ روايت نقل کرده كه پيغمبر افراد و شخصيت هايي را لعنت کرده است.

لَعْنُ اللَّهِ أَكِلَ الرَّبِّا

مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۳

خدا لعنت کند كسي را كه ربا مي خورد.

پس آن افراډي كه ربا مي خورند بايد لذت ببرند به به پيغمبر ما را لعنت کرده؟ لعنت پيغمبر هم موجب كرامت و رحمت است، آقا برويم ربا بگيريم.

آيه ي قرآن كه مي گويد هر كس ربا بخورد:

فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

سوره بقره آيه ۲۷۹

يك بنده خدائي را گرفته پيش قاضي بردند، گفتند آقا جرم شما محاربه است، گفت محاربه يعني چي؟ گفتند يعني جنگ با خدا، پسرش هم کنارش بود، دو دستي بر سر پسرش زد و گفت: چقدر گفتم كه تير هوايي در نزن. حالا امروز به عنوان جنگ با خدا ما را گرفته و محاکمه مي کنند.

به هر حال مي گويد اين لعنت معاويه دليل بر رفعت مقام معاويه است.

در رابطه با معاويه احساس مي كنم هم بزرگان ما و هم بزرگان اهل سنت كوتاهي كرديم.

امیر المؤمنین به صراحت در خطبه شانزده نهج البلاغه قسم شدید و غلیظ می خورد که اصلاً معاویه مسلمان نشد و کفر خودش را مخفی کرد.

عمار یاسر هم طبق روایت معتبر که آقای هیثمی در مجمع الزوائد جلد اول ص ۱۱۳ آورده همین تعبیر را دارد.

در خدمت شما هستم.

مجری:

حاج آقا یك ملاكي را حضرت رسول به دست ما داده و حضرت عالي هم اشاره كرديد در اين حديث آخر كه:

لا يحبني الا مؤمن و لا يغضني الا منافق يا من سب علي فقد سبني.

و این روایت در کتب برادران اهل سنت هم صحیح آمده است. آقای ذهبی با این روایت چه کار می کند؟

استاد قزوینی:

همین تعبیری را که آقای ذهبی شهادت می دهد قلبش بر این که این باطل است.

وعدوك عدوي وعدوي عدو الله

سیر أعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۳۶۶

یا همین روایت بعدی که می گوید:

ومن أبغضك فقد أبغضني

میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ۴، ص ۳۴۵

حالا من نمي دانم قلب جناب آقاي ذهبي اين طور مي آيد شهادت مي دهد يا نه، در صحيح مسلم روايتي

آمده است که من گمان مي کنم که اگر دست آقاي ذهبي بود قطعا اين را از صحيح مسلم حذف مي کرد:

وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَيَّ أَنْ لَا يُحِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضَنِي

إِلَّا مُنَافِقٌ

صحيح مسلم، ج ۱، ص ۸۶

که عبارت صريح مسلم است بغض علي بن ابي طالب نفاق است و هرکس علي را دشمن بدارد منافق است.

عدوك عدوي عدوي الله.

غير از اين است مگر؟

من ابغضك فقد ابغضني.

غير از اين است؟ يا تعبيري که قرطبي دارد از جماعتي از صحابه که مي آيد مي گويد در عصر پيغمبر ما

وقتي مي خواستيم منافقين را بشناسيم نگاه مي كرديم هرکس بغض علي را داشت مي فهميديم منافق است که در

تفسير قرطبي جلد اول صفحه ۲۶۷ آمده است

يا اين تعبيري که جنابعلي اشاره کردید که:

من سبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي

مسند أحمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۲۳

ومن أبغضك فقد أبغضني

میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ۴، ص ۳۴۵

اين چه تفاوتی با هم دارد که جناب آقاي ذهبي مي آيد مي گوید:

ففي النفس منها شيء

میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ٤، ص ٣٤٥

ولي اینجا چرا نمی تواند بگوید؟

یا روایتی که باز آقای حاکم نیشابوری با سند صحیح نقل می کند که آقای ابی عبد الله جدلی می گوید:

رفتم خدمت ام المؤمنین ام سلمه به من گفت:

أيسب رسول الله صلى الله عليه وسلم فيكم

المستدرک علي الصحيحين، ج ٣، ص ١٣٠

در میان شما دارند پیغمبر را فحش می دهند؟

گفتم:

معاذ الله أو سبحان الله

المستدرک علي الصحيحين، ج ٣، ص ١٣٠

این چه حرفی است؟

من شنیدم که پیغمبر فرمود:

من سب عليا فقد سبني

المستدرک علي الصحيحين، ج ٣، ص ١٣٠

هر کس به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته.

خب این آقایان بیاوند تکلیف معاویه را روشن کنند که بنیان گذار سب به علی بن ابی طالب است.

اگر شبهه دارند ما مدارك را مفصل مي گوييم، در سايت هم ما گذاشتيم، مشروعيت سب و لعن از دیدگاه علمای اهل سنت است و ما بيش از پنجاه مدرک آوردیم که معاویه بنیانگذار سب به امیر المؤمنین بوده در حالی که پیغمبر می گوید:

من سب علیاً فقد سبني

مسند أحمد بن حنبل، ج ۶، ص ۳۲۳

هر کس به علی ناسزا بگوید به من ناسزا گفته و هر کس به من ناسزا بگوید به خدا گفته است با توجه به این قضایا آقایان وقتی به معاویه می رسند می گوید: امیر معاویه، معاویه رضی الله عنهما تعجب می کنیم و حتی آقایان حاضر نیستند به صورت مشروط بگویند آقا هر کس به علی ناسزا گفته باشد خدا لعنتش کند، آیا حاضرند این طور بگویند؟ آیا کارشناسان شبکه های و هابی حاضرند بگویند هر کس بنیانگذار سب به علی بود، هر کس به علی بن ابی طالب ناسزا گفت خدا لعنتش کند؟ این را هم نمی گویند چون می دانند اگر بگویند اول کسی که مورد نفرینشان قرار می گیرد معاویه است.

من در خدمت شما هستم.

بیننده: محمد فرید از کانادا (اهل سنت)

سلام علیکم به تمام برادران مخصوصاً حاج آقای قزوینی و بسیار افتخار دارم که با ایشان صحبت می کنم، ما مثل شاگردان در کلاس شما نشستیم و گوش می کنیم و بسیار علاقه داریم که تاریخ اسلام مطرح می شود.

یک موضوعی است که آقای قزوینی که پدران ما همه اهل سنت بودند ولی آن ها طور دیگری سنی بودند و همگی مخلص اهل بیت بودند و لعنت به دشمنان اهل بیت می گفتند.

یکی از بزرگان ما که سرور دهقان بود در اشعار خود گفته است:

يا علي يك كعبه تنها شاهد وصف تو نيست مصطفي در شهر علم خود تو را دريافته

اشخاص بسيار منور و روشن بودند، اين وهابي هايي که در اين اواخر پيدا شده اند بعد از انقلاب افغانستان

و ايران اين ها به کلي موضوعات را دگرگون کردند.

و در يکي ديگر از اشعار سرور دهقان است که مي گويد:

نيست ممکن تلخ و شيرين را به يك جا داشتن حکم قرآن نيست هفتاد و دو معني داشتن

عيب در قرآن نباشد عيب در اسلام ماست اين تنزل هاي ما از جنگ مذهب نام ماست

در آخر شعر هم اين مرد بزرگ مي فرمايد که:

اي مسلمان عيدي مردانه اي مي آيد برون کز جماع گوشه ي ويرانه اي مي آيد برون

همچو ابراهيمي از بت خانه اي ايد برون دلبرم از خانه ي بيگانه اي ايد برون

صوت قرآن از کليسا ها به گوشم مي رسد جاي دارد تا به هر شهر غم خروشم مي رسد

در تمام فاميل ما در افغانستان هيچ کسي را پيدا نمي کنيد که اسمش معاويه يا ابوسفيان يا يزيد باشد، اصلا

در تمام افغانستان هيچ کس نامش معاويه نيست و من در اين پنجاه و پنج سالي که يادم است هيچ کسي نام

معاويه ندارد.

اصلا قبر معاويه معلوم نيست و کسي نمي داند که او در کجا دفن شده است ولي مزار شاه ولايت ما در مزار

شريف است که بعضي از وهابي ها گفتند که اصلا حضرت علي در اينجا نيست و همان حضرت علي بوده است و

مردم او را شيعه خواندند، تمام مسلمانان هم کرامات او را ديده اند.

مجري:

بله همان طور که شما فرمودید ما همه ي برادران اهل سنت را محب اهل بيت مي دانيم ولي شايد نسبت به بعضي از اعتقادات، با هم اختلاف داريم ولي واقعا اين گونه است.

البته اين روزها وهابيتي آمده که هم دشمن سني و هم دشمن شيعه است و آن ها قصد کردند نور اهل بيت را خاموش کنند که شما هم به اين نکته اشاره کردید.

ممنونيم و خدا را شاکر هستيم که شما هم که از برادران اهل سنت هستيد اين گونه روشن و آگاه هستيد و اين مباحث را قشنگ مطرح کردید.

استاد قزويني:

موفق و مويد باشيد. دست شما درد نکند.

بيننده: جمشيد از مراغه

خواستم يکي دو تا مطلب به صورت خلاصه خدمت شما مطرح کنم:

اولا که طاعات و عبادات شما قبول باشد. شب هاي پيش اساتيدي که برنامه داشتند صحنه اي از کشته شدن يکي از برادران شيعه توسط وهابي ها نشان دادند که من خيلي تحت تأثير قرار گرفتم و ديشب خيلي سعي کردم تماس بگيرم ولي نتوانستم.

به نظر من اين صحنه ها نشانگر اين است که بايد يك زماني اين کشت و کشتارها تمام شود و اين هم فقط به دست مبارك آقا امام زمان انجام مي شود و اين ها خيال باطل مي کنند و بايد بدانند که اين طوري دنيا پيش نمي رود و يك روزي به دست مبارك آقا امام زمان همه اين کشت و کشتار و جناياتوهابي ها پايان مي گيرد.

آقاي قزويني من يك فكري داشتم مي خواستم با شما در ميان بگذارم فكر نمي كنيد كه شبكه هاي وهابي به ما خدمت مي كنند؟ الان ما در محله ي خودمان سني نشين زياد هستند و ديگر مثل قبل هر حرفي را قبول نمي كنند و در آن تفكر مي كنند.

اولين چيزي كه مي پرسند اين است كه چرا صحيح مسلم و كتاب هايي كه ما داريم اصلا فارسي آن موجود نيست؟ چرا ما نمي توانيم از آن ها استفاده كنيم؟

استاد قزويني:

بله. در اين شكي نيست آقا جمشيد، اين برنامه هايي كه اين ها دارند پخش مي كنند بهترين خدمت را به ما مي كنند، همه فحاشي هايي و اهانت هايي كه مي كنند، حرف هاي بي ربطي كه مي زنند مگر اين كه كسي عقل نداشته باشد بتواند تشخيص بدهد كه راه درست و غلط کدام است.

عزيزان اهل سنت ما هم عاقل و هم باشعور هستند و كاملا مطالب را متوجه مي شوند و اگر كسي چهار تا برنامه ي آن ها را نگاه كند و چهار تا برنامه ي شبكه ي ولايت ببيند همه چيز براي روشن مي شود.

بيننده:

بله. حاج آقا ما در منطقه ي كردستان فاميل داريم، خدا شاهد كساني هستند كه مهمان نواز و مهربان هستند، الان بيدار شدند و سوال مي كنند، كه ترجمه فارسي صحيح مسلم كجاست؟ تا ما هم بتوانيم از آن استفاده كنيم.

از علمايي كه به آنجا مي آيند سوال مي كنند، من خودم در چهار محال كار مي كردم، خدا شاهد است آن جا مسجدي بود كه از اسمش هم مشخص بود مسجد سني ها كه من براي نماز به آنجا مي رفتم.

الآن دیگر عالمی از اهل سنت نمی تواند آن ها را سرگرم کند چون همه از او سوال می کنند که فلان حدیث را شبکه ی ولایت مطرح کرد این را برای ما توضیح بدهید.

تشکر می کنم از شما.

بیننده: فرهاد از سندج (اهل سنت)

بنده دو رگه هستم و از هر دو امتیاز استفاده می کنیم، یک درد دلی داشتم می خواستم خدمت شما عرض کنم اگر بنده را راهنمایی کنید عرض می کنم.

استاد قزوینی:

بنده در خدمت شما هستم.

بیننده:

از ۱۴۰۰ سال پیش که اسلام آغاز به کار کرد و شروع به رشد و نمو و توسعه پیدا کرد همانندشاخه های گلدکوئست بود که از یک شاخه شروع می شود و به شاخه های متعدد ادامه می یابد و تا الآن هر چه آمدهبر اختلافات افزوده شده است.

قرآن کریم که نازل شد، همه در آن زمان می توانستند به سادگی دستورات و اوامر الهی را بفهمند ولی متأسفانه در طول دوران علمای دین ما این دستورات را به مراتب دشوارتر و سخت تر و غیر قابل فهم تر کردند. هر کدام به تفسیر خود تفسیر کرده اند، هر کدام به رأی خود رأی دادند و آن دستورات ساده و صریحی که برای یک بی سواد بادیه نشین قابل فهم بود الآن برای تحصیل کرده های ما غیر قابل درک شده است.

من متأسفم که علمایی که در این زمینه صاحب نظر بودند این را برای ما دشوار کردند که الآن واقعا آفت های زیادی ایمان ما را تهدید می کند و فکر نکنم کسی پیدا شود با اطمینان صد در صد به دین و مذهب خودش پای بند باشد.

مجری:

البته این جمله ی که نسبت به مسائل احکام و حتی در مسائل اقتصادی در شیعه است اشتباه است.

بیننده:

انتقاد من به دوطرف است

مجری:

ما همه ی مباحثمان روشن است، منطقی و مستدل است و اگر شما موردی دارید بفرمایید، حالا شما نسبت به مذهب خودتان اگر نظری دارید این یک بحث دیگر است.

بیننده:

من یک سوال از آقای استاد قزوینی دارم، آیا تفسیر قرآن یک امر شرعی و جایز است یا نه؟

استاد قزوینی:

بله در آن شکی نیست کاملاً صحیح است.

بیننده:

واضح بفرمایید آیا انسانی که جایز الخطاست می تواند قرآن کلام الهی را تفسیر کند یا خیر؟

استاد قزوینی:

ببینید آقا فرهاد بزرگوار قرآن برای تدبر آمده است، قرآن فقط برای مراسم ختم و ماه رمضان و غیره نیست، قرآن کتاب عمل است و آمده بشر را به حد اعلاي کمال برساند. خود نبی مکرم در کنار نزول قرآنیاناتی داشتند همان طور که در سوره ی نحل آیه ی ۴۴ است که:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم بیان کنی.

و در کنار آن:

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا

سوره حشر آیه ۷

اولا مفسر اول قرآن رسول اکرم و صحابه و اهل بیت علیهم السلام که عدل قرآن هستند بودند که مطالبی را از قرآن بیان کردند.

یا بعضی از علمای بزرگ با توجه به تدبر در قرآن یک درکی از قرآن دارند و ما نمی توانیم بگوییم چون معصوم نیستند پس بنابراین نباید درباره ی قرآن حرف بزنند.

یعنی شما فهم صحابه، فهم اهل بیت را می خواهید زیر سوال ببرید؟ خود نبی مکرم هم که بنا به عقیده ی آقایان وهابی ها یا بخشی از اهل سنت جز در ابلاغ وحی معصوم نبوده و پیغمبر هم که تفسیر قرآنی کند معلوم نیست که معصوم باشد.

خب ما چه کار کنیم؟ حضرت عالی که می خواهید نماز بخوانید، در قرآن نه رکعات نماز، نه رکوع، نه سجده

و نه اوقات نماز هیچ کدام بیان نشده است. خب ما این ها را از کجا درک کنیم؟

پیننده:

از روایات و احادیث سنت می گیریم

استاد قزوینی:

خب این احادیث را چه کسی نقل کرده است؟

پیننده:

روایان موثق

استاد قزوینی:

خب این روایان معصوم بودند یا نبودند؟

پیننده:

خیر معصوم نبودند

استاد قزوینی:

خدا پدر شما را بیامرزد وقتی که معصوم نیست از کجا من بدانم این روایتی که الآن نقل می کنده استباه کرده

است یا نه؟

بيننده:

انسان جايز الخطاست و همين مشكلات را دارد. اهل سنت يك روايتي مي گويد و اهل تشيع رد مي کند. از آن طرف تشيع يك روايت مي گويد و اهل سنت رد مي کند.

استاد قزويني:

اگر بنا بر اين باشد شما حتي نمي توانيد نماز دو رکعتي صبح را بخوانيد چون در قرآن نيامده است و از سنتي است که معصوم نيستند و احتمال اشتباه بودن در آن وجود دارد.

آقا فرهاد عزيز اگر اين باشد سنگ روي سنگ بند نمي شود، الان مثلا آقازاده ي شما، خانم شما خبري را به شما مي دهد و شما هم يقين داريد اين آقا زاده و يا خانم معصوم نيستند ولي از آن طرف همي دانيد که تعمد بر کذب ندارند و انگيزه دروغ گفتن ندارد، همين براي ما کافي است.

همان طور که شما فرموديد افراد موثق يعني همين اندازه محرز بشود براي ما که اين آقا دروغ گو نيست همين براي ما کفايت مي کند، و لو اين که اهل شراب و اهل زنا هم است ولي ما يقين داريم که دروغ نمي گويد.

متشکریم از حضرت عالي.

بيننده: علي از آلمان

خيلي خوشحال هستم که توانستم با شما عزيزان صحبت کنم خيلي وقت است مي خواستم تماس بگيرم، خيلي هم سعي کردم ولي نمي شد.

چند تا سوال داشتم اولش يك نکته اي عرض كنم، شما معمولا براي اثبات حقايت ائمه و فضائل ائمه از كتاب هاي اهل سنت استفاده مي كنيد، حالا به عنوان سوال چرا فضائي كه در كتب اهل سنت نيست و فقط در كتب شيعيان است گفته نمي شود؟

اخيرا شنيدم يكي از ياران حضرت علي فرزندش به عليه امام علي شعار مي داد، و پدر او در حال گريه كردن بود، حضرت از او سوال مي كند چرا گريه مي كني؟ مي گويد بچه ي من جزو كساني است كه شعارمي دهند، حضرت يك نگاهي مي كند به آن بچه مي كند و آن بچه سريع به طرف امام مي آيد.
اين يك سوال من است.

استاد قزويني:

به ذره گر نظر لطف بوتراب كند به آسمان رود و كار آفتاب كند

بيننده:

شما اگر اين را توضيح بدهيد ممنون مي شوم.

مجري:

برنامه هاي ديگري هستند كه مباحث و فضائل امير المؤمنين را بحث مي كنند.

استاد قزويني:

الآن برنامه ي شمس الضحي كه ما داريم و اصل برنامه روايات فضائل اهل بيت عليهم السلام از منابع شيعه است.

شاید انبوهی از مخاطبین ما از عزیزان اهل سنت هستند و آنها نسبت به کتب شیعه عقیده ندارند و اگر چنانچه ما بخواهیم این مطالب را از کتب شیعه بگیریم خوشایند آنها نیست.

شما اگر برای یک عزیز سنی صد تا روایت هم از کافی بیاورید چون نه کافی برای او محترم است نه روایاتش هیچ تاثیری بر او ندارد.

همان طوری که آقای ابن حزم الأندلسی می گوید:

لا معني لاحتجاجنا عليهم برواياتنا فهم لا يصدقونا ولا معني لاحتجاجهم علينا برواياتهمفنحن لا نصدقها

الفصل في الملل، ج ٤، ص ٧٨

معنا ندارد شیعه بیاید از کتاب های خودشان برای ما مطلب بگوید چون ما کتب آنها را قبول نداریم.

ما داریم این مطالب را از منابع اهل سنت می گوئیم چون هم برای عزیزان اهل سنت این کتاب ها مورد قبول و حجت است و هم برای شیعه که می گوید که حقانیت مذهب ما در حدی است که حتی عزیزان اهل سنت هم که معتقد به امامت امیر المؤمنین نیستند آن ها هم در کتابهایشان این روایات و این فضائل را مطرح کرده اند. یعنی این روایت از کتب اهل سنت در حقیقت یک تیر و دو هدف است.

بیننده:

این قسمت را درست می فرمایید ولی این مسائل هم مطرح می شود، درست است که اگر از کتاب های اهل سنت صحبت شود برنامه ی شما هم جذابیت و هم مخاطب بیشتری دارد.

بارها سخنرانی هایی که در مظلومیت حضرت علی خوانده می شود را گوش و گریه می کنم، خب این برای من سوال است که آیا حدیث یا آیه ی قرآنی که شما بگوئید مثلا فرض آیا خداوند جایی به ائمه ی پیامبر دستور داده که جواب در خواست های ما را بدهند؟

فکر می‌کنم این مسائل لازم است که ذکر شود.

سوال دیگر هم اینکه در سریال امام علی علیه السلام در قسمتی از فیلم عمرو عاص يك شخصي که شبیه

معاویه است را به میدان می‌آورد تا بجنگد و دیگران بفهمند که معاویه هم به میدان آمده است.

من می‌خواستم بدانم این واقعیت دارد؟ اگر دارد توضیح بفرمایید.

استاد قزوینی:

به هر حال در بعضی از قسمت های سریال ها يك کلاغ و چهل کلاغ است و از هر ده مطلبي که می‌آورند دو

تا سه تا حقیقت دارد و همچنین می‌آیند هفت مورد هم خودشان اضافه می‌کنند و سریال می‌سازند.

عقیده ي شخصي بنده است، چه سریال امام علی، چه سریال مختار و غیره با تمام جذابیتی که دارد اگر ما

بخواهیم در مورد تك تك قضایای آن مصدر درست کنیم دیگر سریال نمی‌شود بلکه يك سخنرانی يك ساعته می

شود.

و لذا این مطالبی که می‌آورند حالا ما خودمان هم مثل شما در فکر فرو رفتیم که بعضی از این قضایا را از

کجا گیر آورده اند خیلی جذاب است، خیلی شیرین است ولی این مطالب از کجا آمده؟

بیننده: امینی

حضرت آیت الله قزوینی اگر اجازه بدهید من در کتاب کشف الغمه ج ۲ ص ۷۸ چاپ تهران از امام

زینالعابدین علی بن الحسین علیه السلام روایت است که فرمود:

عده ای از مردم عراق خدمت حضرت آمدند حضرت ابوبکر و عمر و عثمان را در محضر ایشان نکوهش کردند، وقتی صحبت شان تمام شد حضرت فرمود: ممکن است به من بگویید که آیا شما از مهاجرین اولین هستید که خداوند درباره ی آن ها فرموده:

الذین اخرجوا من ديارهم و اموالهم يبتغون.

کسانی که از خانه هایشان و اموالشان رانده شده اند و از خداوند فضل و خشنودی می جویند و دین خدا و رسول را یاری می دهند همین ها هستند که راستگو هستند.

گفتند: خیر، فرمود:

شما از آن هایی هستید که خداوند درباره ی آن ها فرموده:

و الذین تبعوا و الدار الایمان من قبلهم یحبون من حاجات.

کسانی که پیش از آنان در دار اسلام جای گرفتند و ایمان در دلشان جای گرفت کسانی را که به سوی آنان هجرت کنند دوست می دارند و در دل های خود آن چه را که به مهاجران داده اند احساس نیاز نمی کنند؟ دوباره گفتند خیر.

وقتی که اعتراف کردید که از دو گروه اولی نیستید، من گواهی دادم که شما از کسانی هم نیستید که خداوند درباره ی آن ها می فرماید:

و الذین جاعوا من بعدهم یا کلون ربنا اغفر لنا و لم شریک.

آنان که پس از اینان آمدند می گویند پروردگارا ما را و آن برادرانمان را که ایمان آوردند و از ما پیشی گرفتند بیامرزد و در دل های ما هیچ کینه ای از کسانی که ایمان آورده اند قرار مده، پروردگارا تویی که بخشنده هستی. بلند شوید از پیش من بروید خداوند شما را به سزای اعمالتان برساند.

جناب آقاي حسيني قزويني اين دانش است كه امام زين العابدين عليه السلام اين گونه موضعي نسبت به صحابه و ياران رسول خدا صلي الله عليه و سلم دارند و ايشان جزو تابعين به شمار مي آيند در مورد ستايش صحابه از يكدیگر وحدت داشتند، شفقت داشتند.

صحابه و خلفا با همدیگر وحدت داشتند، اگر مي خواهيد يك گواهي هم مي آورم از نهج البلاغه اگر اشتباه نکنم خطبه ي ۹۷ است.

استاد قزويني:

آقاي اميني عزيز

بيننده:

اگر اشتباه مي كنم شما تحليل و تفسير كنيد ممنون مي شوم.

استاد قزويني:

برادر بزرگوار اجازه بدهيد همين روايتي كه حضرت عالي خوانديد آيا شما كشف الغمه را از نزديكديده ايد يا ندیده ايد؟

بيننده:

من در کتابخانه اي خواندم و كتاب را به من ندادند

استاد قزويني:

بين عزيز دل من ايشان وقتي آن جا نقل مي كند آيا سندي براي اين دارد؟ سندش را ملاحظه كرديد؟

بيننده:

چون عصر مطالعه مي كردم دم افطار بود تعطيل مي كردند، فردا هم مسئولش نيست كه كتاب را بگيرم.

استاد قزويني:

اين كتاب كشف الغمه همان روايتي كه حضرت عالي فرموديد از آقا علي بن الحسين سلام الله عليه است

كه:

من لم يقل الصديق فلا صدق الله له

الطبقات الكبرى للشعراني، ج ١، ص ٤٩

اين بود فرموديد؟

بيننده:

من خدمتتان عرض كردم من فارسي آن را يادداشت كردم به اين خاطر كه كتاب را به من نمي دادند.

استاد قزويني:

همان روايتي كه حضرت عالي فرموديد عبارت عربي اش را نداريد؟

بيننده:

خدمت شما عرض كردم نه ندارم، هم عربي بود و هم فارسي ترجمه شده بود كه همچنين چيزي بود.

استاد قزوینی:

این مطالبی را که در این کتاب آمده است اولاً هیچ سندی ندارد و ثانیاً از کتب اهل سنت ذکر کرده نه از کتب

شیعه.

وقتی که یک روایتی چه در کتب شیعه چه در کتب اهل سنت نقل می شود یکی از شرایط استناد به آن روایت

این است که ما ببینیم این روایت سند دارد یا سند ندارد، ملاحظه می فرمایید یا نه؟

اگر چنانچه دیدید سند دارد برای ما کاملاً معتبر است در غیر این صورت هیچ اعتباری ندارد.

الآن من این را که آورده ام اجازه بدهید جلد دو صفحه ی ۷۷ همچنین روایتی در این جا موجود نیست.

اگر چنانچه حضرت عالی بزرگواری بفرمایید یک تکه از عربی اش را ولو دو کلمه یا سه کلمه می فرمودید من

بلافاصله خدمتتان می آوردم و بررسی سندی هم می کردم.

بیننده:

ان شاء الله دفعات بعدی آقای قزوینی

استاد قزوینی:

من واقعا تشکر می کنم از ادب، بزرگواری و متانت شما و من بارها هم گفتم امثال شما عزیزان واقعامایه

افتخار ما هستید ولی من توصیه ای که دارم به حضرت عالی و دیگر عزیزان اهل سنت که چه در کتاب شیعه و چه

در کتب اهل سنت نگاه کنند که آیا این مطلب سند دارد یا ندارد، سندش آیا صحیح است یا صحیح

نیست، روایانش ثقه هستند یا نه و اگر چنانچه بعد از بررسی بزرگواری کنید بعد با هم صحبت کنیم هم برای ما مفید

است هم برای حضرت عالی و هم برای دیگر عزیزانی که دارند این گفتگو را می شنوند.

ما متشكریم از حضرت عالی و واقعا از دور پیشانی شما را می بوسیم و برای موفقیت شما دعای کنیم.

مجری:

دعا بفرمایید حاج آقا

استاد قزوینی:

خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقیه الله الاعظم را نزدیک نموده و ما

را از یاران ویژه ی آن حضرت قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج